

موفقیت تحصیلی دختران : مطالعه عوامل غیرشناختی

یاسمین عابدینی^۱

چکیده

به منظور بررسی رابطه راه های مقابله تنیدگی با پیشرفت تحصیلی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی نوجوانان دختر به عنوان متغیر مهم غیرشناختی ، تعداد ۳۲۸ دانش آموز دختر پایه سوم راهنمایی با روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای از مدارس راهنمایی جنوب، مرکز و شمال شهر تهران انتخاب شدند. داده ها با استفاده از آزمون مقابله با بحران و معدل آزمودنی ها گردآوری شد و با روش واریانس چند متغیری و تک متغیری به درآمدند. نتایج، نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین پیشرفت تحصیلی و مقابله "مسئله مدار" از یکسو و رابطه مثبت بین جایگاه اجتماعی - اقتصادی و پیشرفت تحصیلی از دیگر سو بود. بین راه های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه ای معناداری مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: دختران نوجوان ، مقابله با تنیدگی، موفقیت تحصیلی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی دانشگاه تهران

مقدمه

پیشرفت تحصیلی از مسایل مهمی است که محور بسیاری از پژوهش های آموزشی و روانشناسی قرار دارد (Brown & Cross, 1997, Moos, 1990, Niemi & Vainiomaki, 1990). عوامل بسیاری در موفقیت و پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان سهمیند که برخی از آنها شناختی هستند نظیر هوش، توانایی و یادگیری های قبلی و برخی دیگر غیرشناختی، نظیر محیط خانوادگی، جایگاه اجتماعی- اقتصادی و راه های مقابله با تنیدگی (Brown & Cross, 1997).

عوامل شناختی به این دلیل مهم هستند که پایه و اساسی ذهنی و تجربی را برای یادگیری در آینده فراهم می کنند و رابطه بین آنها با پیشرفت تحصیلی کاملاً بارز و قابل مشاهده است، اما شناسایی و تشخیص نقش عوامل غیرشناختی است که تا حدودی مشکل است و حتی از این هم مشکل تر تشخیص این موضوع است که کدامیک از عوامل غیرشناختی در موفقیت و پیشرفت تحصیلی نقش دارند.

چارچوب نظری

این مقاله در چارچوب نظریات روانشناسان تربیتی به تشخیص مهمترین عوامل غیر شناختی و تاثیر آنها بر پیشرفت تحصیلی دختران نوجوان شهر تهران می پردازد. روانشناسان و اندیشمندان علوم تربیتی، جایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و راه های مقابله با تنیدگی را دو عامل غیرشناختی مهم در پیشرفت تحصیلی نوجوانان به شمار می آورند و براین اعتقادند که موقعیت خانواده به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با پیشرفت ها و شکست های تحصیلی کودکان و نوجوانان رابطه دارد و تاثیر این عامل مهم از طریق اثر بخشی بر مهارت ها، انگیزش (چه در آغاز تحصیلات و چه در طول دوران تحصیل) و فراهم کردن شرایط و امکانات آموزشی، تحصیلی و شغلی بهتر برای کودکان و نوجوانان است (لوگال^۱، ۱۹۹۰). نتایج پژوهش ها نیز نشان دهنده وجود رابطه بین بالا بودن سطح اجتماعی- اقتصادی پدر و مادر و موفقیت تحصیلی دانش آموزان است. هم چنین دیده شده است که محیط خانوادگی رفتارهای مرتبط با تحصیل و مدرسه را تحت تاثیر قرار می دهد (Galgrove, 1982).

راه های مقابله با تنیدگی نیز یک عامل غیرشناختی و مرتبط با موفقیت و پیشرفت تحصیلی است (Zea & Reisen, 1997). افراد در تمام دوران زندگی خود با فشارهای روانی و تنیدگی های مختلف روبرو هستند، دوره نوجوانی نیز مصادف با تغییر و انتقال در زمینه روابط بین فردی، سازگاری اجتماعی و روانشناختی نوجوانان است. استقلال نسبی از والدین و وابستگی به گروه همسالان و دوستان، رشد و تحول مفهوم خود و هویت یابی اجتماعی و جنسیتی، برنامه ریزی برای ورود به دانشگاه و انتخاب شغل از جمله عواملی هستند که برای نوجوانان و جوانان فشارهای روانی و تنیدگی هایی را ایجاد می کنند (Fournet, Wilson & Wallender, 1998).

¹ Legall

این عوامل فشارزا توأم با خواست ها و تقاضاهای آموزشی در محیط مدرسه و انتظارات تحصیلی والدین از نوجوانان نه تنها بر عملکرد کلی و تحصیلی آنها تأثیر منفی می گذارد بلکه سلامت و بهداشت روانی آنها را به مخاطره می اندازد و مستلزم مقابله مؤثر است (Niemi & Vainiomaki, 1990). آنچه افراد را از جهت آسیب پذیری نسبت به عوامل فشارزای روانی از هم متمایز می کند، راه های مقابله ای است که آنان در مقابل این عوامل برمی گزینند. انتخاب راه های مقابله مناسب در برابر فشارهای روانی ایجاد شده برای نوجوانان می تواند از تأثیر فشارها بر سلامت روانی آنان کاسته و به سازگاری اجتماعی و تحصیلی هرچه بیشتر آنان منجر گردد (Ladd, 1990).

لازاروس و فولکمن^۳ (۱۹۸۴) اعتقاد دارند که مقابله تلاشی است آگاهانه برای کنترل یا کاهش تنیدگی و یا کوششی است برای تحمل کردن تهدیدی که منجر به تنیدگی یا فشار روانی می شود. آنان معتقدند فرایند مقابله سه مرحله را طی می کند که عبارتند از:

الف) ارزیابی نخستین که فرد در آن تهدیدی را نسبت به تمامیت خویش دریافت می کند،

ب) دومین ارزیابی که فرد طی آن پاسخ های ممکن را در ذهن مرور می کند،

ج) ارزیابی سوم که در آن فرد پاسخ های گزینش شده را به اجرا می گذارد. لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) به دو نوع روش مقابله ای اشاره کرده اند:

۱. مسئله مدار، در این نوع مقابله فرد سعی دارد اعمالی انجام دهد تا منبع تنیدگی را تغییر دهد. این نوع مقابله بیشتر در موقعیت هایی بروز می کند که فرد احساس توانایی کنترل یا تغییر موقعیت را دارد. یک فرد می تواند به طور عمدۀ جلوة تهدید را با اشکالی که واکنش های خوشایند را ایجاد می کنند، جابجا کند یا راه حل هایی را طراحی کند.

۲. مقابله هیجان مدار؛ در این نوع مقابله فرد سعی می کند آشفتگی های عاطفی ناشی از موقعیت فشارزا را کاهش داده یا کنترل کند. افراد وقتی احساس می کنند که منبع فشارزا چیزی است که باید تحمل شود و توانایی تغییر یا کنترل موقعیت را ندارند متوسل به مقابله هیجان مدار می شوند. برای مثال دانش آموزان ممکن است با تنیدگی ایجاد شده توسط یک امتحان سخت از طریق مطالعه بیشتر و یا طرح ریزی برای مطالعه مؤثرتر مقابله کنند (مقابله مسئله مدار) و یا اینکه تصمیم بگیرند از طریق خیالبافی رؤیا پردازی و مشکل را فراموش کرده و به آرامش دست یابند (مقابله هیجان مدار).

مقابله اجتنابی نیز یکی دیگر از این روش ها به حساب می آید که شامل پرهیز یا روی آوردی به اشخاص دیگر و اجتماع و یا اجتنابی یا مشغول شدن به فعالیت ها یا مسایل دیگر است. مواردی چون تماشای تلویزیون، رفتن به سینما و بیرون رفتن با دوستان برای صرف غذا و یا شرکت در یک فعالیت ورزشی از جمله موارد مقابله اجتنابی محسوب می شوند (Endler & Parker, 1990). این نوع مقابله و درگیری رفتاری یا روانی با موقعیت تنیدگی زا، یک راهبرد نادرست و غیرمؤثر است زیرا فرد تلاش خود را برای حل مشکل و مقابله با آن کاهش می دهد (Carver, Scheier & Weintraub, 1999).

1. Iarus & Folkman

2. Emotion – Focused Coping

دیده شده است که راهبردهای مقابله ای غیر موثر و ناکارآمد و بخصوص راهبردهای نامرتبط با تکلیف (برای مثال انجام هر کاری به غیر از آماده شدن برای امتحان) رابطه معناداری با اضطراب امتحان، عملکرد تحصیلی پایین، عدم رضایت و شکست تحصیلی دارد (Nuemii, 1997).

از سوی دیگر جستجوی حمایت اجتماعی ۵ از طریق دریافت حمایت شناختی و روانشناختی می تواند در خدمت اهداف مقابله مسئله مدار قرار گیرد. نتایج پژوهش ها نیز نشان دهنده اثرات بهداشتی و محافظتی حمایت اجتماعی در مقابله با تنیدگی ها است (Heller, et.al, 1996). نتایج پژوهش ها گویای این است که راه های مقابله با تنیدگی و محیط خانوادگی پیش بینی کننده های بسیار خوب برای پیشرفت تحصیلی نوجوانان هستند، به طوری که خانواده هایی که دارای محیطی آزاد برای بروز احساسات اعضای خانواده هستند، سطح سواد و امکانات تفریحی بیشتری دارند و حمایت عاطفی و اجتماعی بیشتری را برای فرزندان خود فراهم می کنند، دارای فرزندانی هستند که پیشرفت و موقعیت تحصیلی بالاتری دارند. همچنین پژوهش ها از یک سو نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین پیشرفت تحصیلی نوجوانان و حمایت اجتماعی با راهبرد مقابله ای مسئله مدار و از سوی دیگر بیانگر رابطه منفی آن با مقابله های هیجان مدار و پیشرفت تحصیلی نوجوانان است (Brown, 1997, Niemi & Vainiomaki, 1999, Zea & Reisen).

باتوجه به آنچه ذکر شد هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین پیشرفت تحصیلی، راه های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی در نوجوانان دختر است.

روش پژوهش

طرح پژوهشی حاضر، غیرآزمایشی و از نوع توصیفی است. این نوع پژوهش شامل مجموعه روش هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است. یکی از انواع روش های تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) تحقیق همبستگی است. در تحقیق همبستگی، رابطه میان متغیرها براساس هدف تحقیق تحلیل می گردد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۷۸).

آزمودنی ها

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰ در شهر تهران است و تعداد ۳۲۸ دانش آموز دختر پایه سوم راهنمایی که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای از مناطق جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر تهران انتخاب شده اند، آزمودنی های این پژوهش را تشکیل می دهند.

به منظور انتخاب آزمودنی های دارای جایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف (پایین، متوسط و بالا) ابتدا سه منطقه از مناطق ۱۸ گانه شهر تهران انتخاب شدند (منطقه ۳ از شمال، منطقه ۱۰ از مرکز و منطقه ۱۷ از جنوب شهر تهران). سپس باتوجه به تعداد آموزشگاه های راهنمایی دخترانه موجود در این مناطق، از هر

منطقه تعدادی آموزشگاه انتخاب شدند (سه آموزشگاه از منطقه ۳، پنج آموزشگاه از منطقه ۱۰ و چهار آموزشگاه از منطقه ۱۷) و در مرحله آخر یک کلاس از هر آموزشگاه انتخاب و کلیه دانش آموزان آن مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار اندازه گیری

در پژوهش حاضر برای سنجش راه های مقابله با تنیدگی آزمون مقابله با بحران که توسط اندلر و پارکر^۶ (۱۹۹۰) تدوین شده است مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش پیشرفت تحصیلی آزمودنی ها ابتدا معدل کل آزمودنی ها در سال تحصیلی گذشته (پایه دوم راهنمایی) از پرونده تحصیلی آنان استخراج گردید و سپس هر آزمودنی در یکی از سه سطح پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا قرار گرفت. به این صورت که آزمودنی هایی که معدل آنها کمتر از ۱۵ بوده در گروه پیشرفت تحصیلی پایین، آزمودنی هایی که معدل آنها بین ۱۵ تا ۱۷/۵۰ بوده در گروه پیشرفت تحصیلی متوسط و آزمودنی هایی که معدل آنها بالاتر از ۱۷/۵۰ بوده در گروه پیشرفت تحصیلی بالا قرار گرفتند.

برای سنجش راه های مقابله با تنیدگی از آزمون مقابله با بحران استفاده شد. این آزمون دارای ۴۶ پرسش است که سه زمینه اصلی رفتارهای مقابله ای را دربرمی گیرد که عبارتند از: مقابله مسئله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی. که ضریب آلفای کرونباخ برای دختران در عامل مقابله مسئله مدار برابر ۰/۹۰، برای عامل مقابله هیجان مدار برابر با ۰/۸۵ و برای عامل مقابله اجتنابی برابر با ۰/۸۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای بررسی اعتبار آزمون از روش تحلیل عاملی و برای بررسی قابلیت اعتماد آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس نتایج عاملی با چرخش واریماکس^۷ ۱۳ عامل استخراج شده سپس سئوال هایی که بار عاملی ضعیف داشتند، دو قطبی و یا تک ماده ای بودند، حذف شده و مجدداً تحلیل عاملی با چرخش واریماکس انجام شد. نتایج نهایی ۳ عامل را نشان داد. هر کدام از این عوامل باتوجه به محتوای سئوال ها و پیشینه پژوهش نامگذاری شد. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اول برابر با ۰/۸۷، برای عامل دوم ۰/۷۹ و برای عامل سوم ۰/۷۴ است. لازم به ذکر است که شیوه نمره گذاری این آزمون براساس مقیاس لیکرت ۵ درجه ای است. بطوری که گزینه « اصلاً » نمره صفر (اصلاً = صفر) و گزینه « همیشه » نمره چهار (همیشه = ۴) می گیرد.

⁶ Endler & Parker.
1. Varimax

جدول شماره ۱. بار عاملی گویه های عامل های سه گانه آزمون مقابله با بحران

شماره گویه	عامل یک:مقابله مسئله مدار	عامل دو:مقابله هیجان مدار	عامل سه:مقابله اجتنابی
۲۶	۰/۷۲۴		
۲۳	۰/۶۹۳		
۴۰	۰/۶۳۵		
۳۸	۰/۶۲۰		
۴۶	۰/۶۰۵		
۳۵	۰/۵۸۹		
۴۱	۰/۵۴۳		
۴۵	۰/۵۳۸		
۲	۰/۵۳۱		
۴۲	۰/۵۲۶		
۶	۰/۵۰۹		
۳۴	۰/۵۰۰		
۹	۰/۵۰۰		
۲۵	۰/۴۶۲		
۳۳	۰/۴۳۳		
۱	۰/۴۱۳		

ادامه جدول شماره ۱. بار عاملی گویه های عامل های سه گانه آزمون مقابله با بحران

شماره گویه	عامل یک:مقابله مسئله مدار	عامل دو:مقابله هیجان مدار	عامل سه:مقابله اجتنابی

	۰/۶۷۳		۱۲
	۰/۶۶۵		۱۸
	۰/۶۱۲		۲۹
	۰/۶۰۰		۳۷
	۰/۵۹۷		۲۱
	۰/۵۹۱		۲۴
	۰/۵۲۷		۷
	۰/۴۷۹		۱۳
	۰/۴۷۱		۴۴
	۰/۴۴۷		۳۲
	۰/۴۴۶		۱۶
	۰/۴۱		۲۷
۰/۶۱۵			۱۹
۰/۶۰۰			۳۰
۰/۵۹۳			۲۸
۰/۵۴۸			۲۳
۰/۵۴۱			۳۶
۰/۵۱۵			۳۹
۰/۵۰۰			۳۱
۰/۴۸۹			۸
۰/۴۱۰			۳
۸/۰۷	۹/۷۹	۱۲/۹۴	درصد واریانس

عامل نخست با ۱۶ گویه مقابله مسئله مدار و عامل دوم با ۱۲ گویه مقابله هیجان مدار و عامل سوم با ۹ گویه ، مقابله اجتنابی را نشان می دهد.

در ادامه گویه های مربوط به هر عامل، بیان می شود .

گویه های عامل نخست:

- در باره آنچه که اتفاق افتاده فکر می کنم.
- سعی می کنم موقعیت را درک کنم.
- به موقعیت مسلط می شوم.
- خواسته هایم را با شرایط موجود هماهنگ می کنم.
- برای تسلط به موقعیت سعی می کنم به کارهایم سازمان دهم.
- قبل از واکنش نشان دادن مسئله را کاملاً تجزیه و تحلیل می کنم.
- کوشش بیشتری می کنم تا ثابت کنم که می توانم از عهده آن برآیم.
- روی مسئله متمرکز شده و می بینم چگونه می توانم آن را حل نمایم.

- از موقعیت استفاده می برم تا ثابت کنم که می توانم از عهده آن برآیم.
- برای حل مسئله به چندین راه حل مختلف می رسم.
- کاری را که فکر می کنم بهترین است انجام می دهم.
- با کسی که نظرش برایم ارزش دارد صحبت می کنم.
- اولویت هایم را مشخص می کنم، اول به آنها می پردازم.
- بلافاصله اقدام به عمل اصلاح گرایانه می کنم.
- به توانایی های عمومی ام فکر می کنم.
- وقتم را به بهترین نحو تنظیم می کنم.

گویه های عامل دوم

- دچار اضطراب می شوم که مبادا نتوانم با مشکل کنار بیایم.
- خیلی ناامید می شوم.
- در مورد آنچه که قرار است انجام دهم نگران می شوم.
- عصبانی می شوم.
- خودم را سرزنش می کنم.
- خشکم می زند و نمی دانم چکار کنم.
- در بدنم احساس درد می کنم.
- دچار تنش زیادی می گردم.
- ناراحتی هایم را بر سر دیگران خالی می کنم.
- به خود می گویم هرگز چنین اتفاقی تکرار نخواهد شد.
- از این که بیش از حد هیجانی بوده ام خودم را سرزنش می کنم.
- آرزو می کنم می توانستم آنچه را که اتفاق افتاده یا احساس خودم را عوض کنم.

گویه های عامل سوم

- برای خودم چیزی خرید می کنم.
- وقتم را با شخص بخصوصی می گذرانم.
- به دیدن دوستم می روم.
- از موقعیت فرار می کنم.
- به یک دوست تلفن می کنم.
- به سینما می روم تا تلویزیون تماشا می کنم.
- به پیاده روی می روم.
- به تماشای ویتترین مغازه ها مشغول می شوم.
- راجع به اوقات خوشی که داشته ام فکر می کنم.

تحلیل آماری

برای بررسی تفاوت بین راه های مقابله مورد استفاده آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا و همچنین بررسی تفاوت بین راه های مقابله مورد استفاده آزمودنی ها متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، متوسط و بالا از آزمون آماری تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد، همچنین برای بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با جایگاه اجتماعی - اقتصادی از آزمون آماری تحلیل واریانس تک متغیری استفاده گردید.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون تحلیل عاملی متغیرهای جایگاه اجتماعی - اقتصادی

و راه های مقابله با تنیدگی

سطح معناداری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	راه های مقابله با تنیدگی
۰/۲۴۴	۱/۴۲	۱۶۱/۶۷	۲	۳۲۳/۳۵	مسئله مدار
۰/۴۰۵	۰/۹۱	۶۲/۷۷	۲	۱۲۵/۵۳	هیجان مدار
۰/۳۱۵	۱/۱۶	۵۲/۶۳	۲	۱۰۵/۲۶	اجتنابی

بین راه های مقابله با تنیدگی آزمودنی های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، متوسط و بالا تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر آزمودنی های هر سه گروه دارای الگوهای مقابله ای مشابهی هستند. خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری نیز نشان دهنده این نکته است. همچنین اثر جایگاه اجتماعی - اقتصادی در هیچ یک از آزمون های پیلایی، ویلکز، هتلینگ و رویز^۸ معنادار نیست. یعنی جایگاه اجتماعی - اقتصادی آزمودنی ها در راه های مقابله ای که آنان هنگام رویارویی با مشکلات و تنیدگی ها از آن استفاده می کنند، نقش مهمی ندارند و هر سه گروه به میزان مشابهی از مقابله های مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی استفاده می کنند.

شایان ذکر است که آزمون هتلینگ، در مواردی استفاده می شود که پژوهشگر بخواهد دو گروه را از لحاظ میانگین های بیش از یک متغیر وابسته، مقایسه کند. این آزمون برای هر دو گروه مستقل و وابسته وجود دارد (واینر، ۱۹۷۱). برای بررسی تفاوت راه های مقابله مورد استفاده آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا هم، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج نشان دادند که بین راه های مقابله مورد استفاده آزمودنی های متعلق به سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی (پایین، متوسط و بالا) تفاوت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا، الگوهای مقابله ای مشابهی ندارند. نتایج آزمون مقایسه توکی^۹ نیز بیانگر این موضوع است، بطوری که

1. Pillai, Willks, Hotelling & Roys
1. Tukey

آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی بالا نسبت به آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، به میزان بیشتری از مقابله مسئله مدار استفاده می کنند. این آزمودنی ها هنگام مواجهه با مشکلات تحصیلی، خانوادگی یا اجتماعی بر مشکل متمرکز شده و با اندیشیدن و تأمل سعی دارند راه حلی را برای مشکلی پیدا کرده و به این وسیله موقعیت را کنترل کرده یا دچار تغییر نمایند. در حالی که آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین هنگام مواجهه با مشکل بیشتر به مقابله هیجان مدار روی آورده و برای کاهش تنش و نگرانی ناشی از موقعیت مشکل آفرین، دچار عصبانیت، نگرانی، اضطراب و ناامیدی شده و یا خود را سرزنش می کنند.

جدول شماره ۳. نتایج تحلیل واریانس تک متغیری جایگاه اجتماعی - اقتصادی و پیشرفت تحصیلی

سطح معنا داری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع مجذورات	راه های مقابله با تنیدگی
۰/۰۰۰	۳۶/۸	۲	۱۹۷	۳۹۴	بین گروه ها
		۳۲۵	۵/۳۶	۱۷۴۲	درون گروه ها
		۳۲۷	۲۰۲/۳۶	۲۱۳۵	کل

نتایج تحلیل های آماری نشان می دهد که آزمودنی های دارای جایگاه اجتماعی - اقتصادی گوناگون (پایین، متوسط و بالا) از نظر میزان پیشرفت تحصیلی (معدل) با یکدیگر دارای تفاوتی معنادار هستند. همچنین نتایج آزمون توکی نشان می دهد که آزمودنی های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا از نظر پیشرفت تحصیلی تفاوت معناداری با آزمودنی های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین و متوسط دارند ($P < ۰/۰۵$).

نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که بین راه های مقابله مورد استفاده آزمودنی های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف (پایین، متوسط و بالا) تفاوت معناداری وجود ندارد. به بیان دیگر اگرچه آزمودنی ها دارای شرایط اجتماعی - اقتصادی متفاوتی هستند اما الگوهای مقابله ای مشابهی دارند. به این معنا که موقعیت اجتماعی - اقتصادی آزمودنی ها نقش مهمی در رفتارهای مقابله ای آنان نداشته و هر سه گروه از مقابله های مسئله مدار، هیجان مدار و اجتنابی به میزان یکسان و مشابهی استفاده می کنند. مشابهت الگوهای مقابله ای در نوجوانان دختر متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی متفاوت به احتمال نشان دهنده این است که در دوره نوجوانی از یک سو مهارت های حل مسئله به دلیل رشد انتزاعی خاص این دوره در نوجوانان افزایش می یابد و در نتیجه آنان را قادر می سازد تا هنگام رویارویی با مشکلات و

موقعیت های تنیدگی زا، از راهبردهای مسئله مداری چون تعمق، برنامه ریزی و تفکر برای حل مشکل استفاده نمایند و از سوی دیگر به دلیل تظاهرات شدید عاطفی، احساسی و هیجانی در این دوره، نوجوانان تمایل به بیرون ریزی هیجانان خود هنگام رویارویی با مشکلات داشته و از راهبردهای هیجان مداری چون درد دل کردن برای دوستان و همسالان، انجام فعالیت های ورزشی و تفریحی استفاده می کنند.

این موضوع اشاره به نقش مهم دوستان در فراهم کردن حمایت اجتماعی لازم برای نوجوانان در هنگام مشکلات دارد و نشان دهنده تأثیرات محافظتی، بهداشتی و روانشناختی، حمایت اجتماعی به صورت کاهش دهنده خطر و آسیب پذیری برای ابتلا به بیماری های مختلف روان-تنی است. در واقع دوستان به نوجوانان کمک می کنند تا منابع روانشناختی خود را تجهیز نموده و به مشکلاتشان تسلط یابند. از سوی دیگر نتایج نشان داد که بین راه های مقابله مورد استفاده آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی بالا نسبت به آزمودنی های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، بیشتر از مقابله مسئله مدار استفاده می کنند.

یافته های پژوهش نشان می دهد که، بین حمایت اجتماعی و دیگر راهبردهای مقابله ای مسئله مدار با پیشرفت تحصیلی نوجوانان رابطه مثبتی وجود دارد. بدین ترتیب می توان گفت که نوجوانان دختر با استفاده و دریافت حمایت اجتماعی، شناختی و عاطفی از دوستان، قادر به برنامه ریزی کارآمد و مؤثرتری برای حل مشکلات تحصیلی خویش می شوند و این امر به برانگیزش تحصیلی و در نتیجه بر پیشرفت تحصیلی آنان تأثیر می گذارد. همچنین نوجوانان دختری که در رویارویی با مشکلات و تنیدگی ها از راهبردهای مسئله مداری چون مشورت با افراد متخصص و دارای صلاحیت استفاده می کنند، به دلیل دریافت حمایت اطلاعاتی و عاطفی از این افراد، نشانگر تنیدگی کمتری را (اضطراب، افسردگی) تجربه کرده و در نتیجه عملکردهای کلی و تحصیلی بهتری دارند.

نتایج پژوهش حاضر، همچنین نشان دهنده تفاوت معنادار در سطوح پیشرفت تحصیلی آزمودنی های متعلق به جایگاه اجتماعی- اقتصادی گوناگون است. به طوری که نوجوانان دختر متعلق به جایگاه اجتماعی- اقتصادی بالا، پیشرفت تحصیلی بیشتر نسبت به نوجوانان طبقات اجتماعی- اقتصادی پایین و متوسط دارند. این موضوع نشان می دهد که عوامل فرهنگی- اجتماعی نظیر میزان درآمد، میزان تحصیلات، نوع شغل پدر و مادر و محل سکونت آنان به طور غیرمستقیم بر مهارت ها و انگیزش تحصیلی نوجوانان اثر گذاشته و پیشرفت تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. در واقع خانواده های دارای موقعیت اجتماعی- اقتصادی بالا با فراهم کردن امکانات تفریحی بیشتر، فضای بازتر و حمایت کننده تر پیشرفت تحصیلی فرزندان را تسهیل می کنند.

به طور کلی نتایج پژوهش نشان دهنده نقش مؤثر عوامل اجتماعی- اقتصادی و روش های مقابله با تنیدگی در پیشرفت تحصیلی نوجوانان دختر است.

از جمله محدودیت های این پژوهش، انتخاب آزمودنی ها از یک مقطع تحصیلی و از یک جنسیت است. پیشنهاد می شود که در پژوهش های بعدی با انتخاب آزمودنی ها از سنین و مقاطع تحصیلی

مختلف و از هر دو جنس، سیر تحولی راه های مقابله با تنیدگی در کودکان و نوجوانان دختر و پسر با
یکدیگر مقایسه گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- سرمد - زهره، بازرگان - عباس و حجازی - الهه، (۱۳۷۸)، روش های تحقیق در علوم رفتاری. انتشارات آگاه، تهران.
- لوگال، آندره (۱۹۹۰). شکست های تحصیلی: شناخت و جبران، ترجمه محمدرضا شعاع رضوی، ۱۳۷۴، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
- واینر، ب، ج. (۱۹۷۱). اصول آماری در طرح آزمایش ها. ترجمه سرمد و اسفندیاری (۱۳۹۶)، مرکز نشر دانشگاهی، تهران
- Brown, N. W., & Cross, Jr. E. J. (1997). Coping resources and family environment for female engineering students. *College Student Journal*, 31(2), 282-290.
- Galegrove, M. B. (1982). The effect of family environment on the attrition of first semester college freshmen. *Dissertation Abstracts International*, 42, 461-48.
- Caver, C. S., Scheir, M. F., & Weintraub, J. K. (1989). Assessing coping strategies a theoretically based approach. *Journal of personality and Social psychology*, 56, 267-283.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. (1990). Multidimension assessment of coping. *Journal of personality and Social Psychology*, 58. 844-850.
- Fournet, D. N., Wilson, K. L., & Wallender, J. L. (1998). Growing or Just getting along? Technical and adaptive Competence in Coping among adolescents. *Child Development*, 69(4), 1129-1144.
- Heller, K., Swindle, R., & Dusenbury, L. (1996). Component Social support processes: Comments and integration. *Journal of Consulting and Clinical psychology*, 55, 466-470.
- Ladd, G. W. (1990). Having friends, Keeping friends, Making friends, and being Liked by peers in classroom: predictors of children early school adjustment. *Child Development*, 61, 1081-1100.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal and coping* New York: Springer - Verlega.
- Moos, R., & Moos, B. (1990). *Family environment Scal manual*. Consulting Psychologist Press. Palo Alto, Aclifornia.
- Niemi, P. M, & Vainiomaki, P. T. (1999). Medical students, academic distress, coping and achievement Strategies during the preclinical years. *Teaching and Learning in Medicine*, 11(3), 123-135.
- Nurmi, J. E. (1997). Self - definition and mental Health during adolescence and young adulthood. In J, Schulenberg, J. Maggs, K, tlurrelmann (Eds)., *Health risks and developmental Transitions during dolescence* (pp. 395-215). Cambridge.
- Zea, M. C, & Reisen, C. A. (1997). Predicting intention to remain in college among ethnic minority and non minority students. *Journal of Social Psychology*, 137(2), 149-159.